

7 درس

عقل در فلسفه (1)

مفهوم فلسفه با «عقل» و «عقلانیت» گره خورده است و روش فلسفه «تعقلی» یا «استدلالی» است و از فیلسوفان نیز به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد شده است.

فیلسوفان وجه تمایز انسان از سایر موجودات را عقل می دانند و منظور ارسطو از ناطق در تعریف انسان به «حیوان ناطق» همان «عاقل» است.

در این درس می خواهیم بدانیم:

1- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟

2- «محدوده و قلمرو» عقل چه اندازه است و سبب چه تحولاتی در طول تاریخ شده است؟

3- امروزه عقل چه جایگاهی در فلسفه دارد؟

در این درس نظرات فلاسفه:

الف- ایران باستان ب- یونان باستان و ج- فیلسوفان اروپایی بررسی می شود و در درس بعد به نظرات فیلسوفان مسلمان در این زمینه پرداخته می شود.

تعریف عقل

عقل توانمندی است که به کمک آن: 1- استدلال می کنیم 2- از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. (جامع ترین تعریف ها از عقل)

به عبارت دیگر: انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست (عقل نظری) و می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد (عقل عملی)

نکته: قدرت عقلی انسان ها متفاوت است زیرا این توانمندی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود؛ برخی افراد قدرت عقلی بیشتر و برخی قدرت عقلی کمتری دارند.

● عموم استدلال ها: اعم از تجربی- ریاضی- فلسفی- کلامی- فقهی- اخلاقی و حقوقی در حوزه عقل نظری و عملی قرار می گیرند. مثلاً استدلال های تجربی در باره آنچه هست، بحث می کند که می شود «دانش نظری» و علم اخلاق که در باره باید ها و نباید های اخلاقی بحث می کند، می شود «دانش عملی».

اما کاربرد دیگر «عقل» در فلسفه: (مصدق وجودی عقل)

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند (فرشتگان)

ویژگی های این موجودات: (فرشتگان)

- 1- مجرد و غیر مادی هستند و در قید زمان و مکان نیستند
- 2- در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند
- 3- مربوط به عالم عقل هستند
- 4- با حواس ظاهری درک و دریافت نمی شوند
- 5- وجود آن ها با دلیل و برهان اثبات می شود
- 6- علم آن ها از طریق استدلال و کنار هم قرار دادن مفاهیم نیست و نیازی به مفاهیم و استدلال مفهومی ندارند
- 7- آن ها حقایق اشیا را «شهود» می کنند.

فیلسوفان الهی معتقدند: «روح هر انسانی» استعداد رسیدن به مرتبه «شهود» را دارد.
توضیح:

یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول بسیاری از حقایق را «شهود» کند.
پس:

طبق نظر فیلسوفان الهی «قدرت استدلال» مرتبه نازل و پایین عقل انسانی و توانایی بشر در ساختن «مفاهیم کلی» خود پرتویی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

مفاهیم جزئی ← مفاهیم کلی ← قضایای کلی ← استدلال
مثلاً

آب در 100 درجه حرارت می جوشد

جوشیدن این آب ← جزئی

این حرارت ← جزئی

پس حرارت ← علت (مفهوم کلی)

جوشیدن آب ← معلول (مفهوم کلی)

استدلال ← جوشیدن آب معلول است هر معلولی نیاز به علت دارد

پس: جوشیدن آب نیاز به علت دارد

عقل نزد حکمای ایران باستان:

- ایران یکی از کانون های «اولیه» عقل گرایی و خرد گرایی است
- اندیشمندان آن به خرد ورزی و فرزاندگی شهرت دارند
- منابع اطلاع ما: 1- گزارش فردوسی در شاهنامه 2- برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به آن

دوره

● هر دو معنای عقل را قبول داشته اند؛

یعنی: الف- وجود نورانی و مجرد ب- تعقل و خرد ورزی و برهان

دیدگاه اندیشمندان ایران باستان در باره خدا

● خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است

● کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند

● بر اساس خرد و با اندیشه خود جهانیان و وجدان ها (نفوس انسانی) و خرد ها را آفریده است

● به نظر می رسد خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست

شاهد از شاهنامه فردوسی ← (به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه بر نگذرد)

عقل در یونان باستان

1- هراکلیتوس

● از حقیقتی به نام «لوگوس» logos سخن گفته که دو معنا دارد: 1- عقل 2- نطق

● پس به هر دو معنای عقل توجه داشته (عقل ← موجود مجرد نطق ← تفکر و خرد و قوه استدلال)

● اشیای جهان بیان علم و حکمت عقل مجرد هستند ← کلمات او محسوب می شوند

● عقل را دارای دو مظهر می داند: 1- جهان و اشیا 2- کلمات و سخن

2- پارمنیدس

● معتقد به عقل مجردی است که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود (پس هر دو معنای عقل را می پذیرد یعنی الف- موجود مجرد ب- خرد و استدلال)

توضیح: پیش از این آموختیم پارمنیدس 1- حرکت و تغییر را نمی پذیرد 2- حس را معتبر نمی داند

3- عقل را تنها ابزار شناخت معتبر می داند

3- افلاطون

● همان عقلی را که پارمنیدس قائل است می پذیرد و «عقل جهانی» یا «عقل کل» می نامد

● هر دو معنای عقل را می پذیرد: 1- عقل کل ← موجود مجرد 2- قوه تفکر و استدلال (انسان نیز دارای مراتبی از عقل است)

4- ارسطو

● به عقل به عنوان قوه استدلال توجه ویژه ای دارد

● عقل را بر اساس « کاری که انجام می دهد» به عقل نظری و عملی تقسیم می کند و بر اساس عقل نظری و عملی دانش بشر را نیز به دو قسم «نظری» و «عملی» تقسیم می کند

• انواع استدلال را در منطق خود تدوین کرد (استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرده و کاربرد هر کدام را مشخص ساخت)

• انسان را حیوان ناطق نامید (متفکر)

• عقل را ذاتی انسان می دانست

• تصویر «روشن تری» از عقل عرضه کرد

عقل نزد فیلسوفان اروپایی

در اروپا ، جایگاه و مراحل تحول و تطوّر عقل را باید در سه دوره بررسی کرد:

1- دوران قرون وسطی (حدود قرن 3 تا 9 دوره اول حاکمیت کلیسا)

• بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند

• برخی از آنان عقل را امری «شیطانی» می دانستند و در مقابل استدلال های عقلی می ایستادند

• ایمان قوی را از آن کسانی می دانستند که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند

2- فیلسوفان دوره دوم حاکمیت کلیسا (حدود قرن های 11 تا 13)

• با مطالعه آثار ابن سینا و ابن رشد موضع آنان در برابر عقل تغییر کرد

• به عقل روی آورده و مسائل دین را تبیین عقلانی کردند (قلمرو و حوزه عقل)

• این توجه به عقل به دلیل ناسازگاری با مبانی کلیسا، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد

3- دوره رنسانس (آغاز عصر خرد)

• در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد ، عقل جایگاه ویژه ای پیدا کرد

• عقل یگانه مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی می شد

• عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند

• در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا اختلافاتی میان فلاسفه آغاز شد و رشد کرد به گونه ای که

فیلسوفان اروپایی به دو دسته 1- عقل گرا 2- تجربه گرا تقسیم شدند

دیدگاه و نظرات فلاسفه دوره رنسانس در باره «عقل»

1- فرانسیس بیکن (تجربه گرا)

• روش «تجربی» بهترین روش برای «پیشرفت زندگی بشر» است

• استدلال های عقلی را «بت» می داند که فلاسفه قدیم مانند ارسطو آن ها را ساخته اند

• از فیلسوفان می خواهد از استدلال های عقلی دست بردارند و به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کند (هیچ کدام از معانی عقل را نمی پذیرد)

2- دکارت (عقل گرا)

• همه توانایی های عقل (بدیهیات عقلی- استدلال های عقلی محض- و شناخت تجربی که همکاری حس و عقل است) را می پذیرد

• با عقل و استدلال می توان الف- وجود خدا ب- نفس مجرد انسان ج- اختیار انسان را اثبات کرد

• به عقل به معنای یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان آن گونه که فیلسوفان مسلمان اعتقاد داشتند، عقیده ای نداشت

• عقل را صرفاً یک دستگاہ منطقی استدلال می دانست

3- کانت (عقل گرا)

• در داوری میان عقل و تجربه، این بخش از نظر تجربه گرایان را که عقل نمی تواند اموری مانند خدا- نفس و اختیار را اثبات کند پذیرفت (شباهت با تجربه گرایان).

• این امور را انکار نکرد اما راه متفاوتی برای اثبات آن ها بیان کرد (اخلاق) ← (اختلاف با تجربه گرایان)

• در باره مفاهیم فلسفی مانند: «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت»، قالب های ذهنی می دانست و بر اساس ساختار ذهنی قابل اثبات می دانست و معتقد بود عقل و ذهن اشیای خارجی را در این قالب ها درک می کنند

• این بیان کانت در باره نحوه شناخت اشیا در قالب مفاهیم ذهنی تحولی عظیم در کار کرد عقل به عنوان «ابزار شناخت واقعیات خارجی» به وجود آورد که در ضمن آن مفاهیم ذهنی نیز شناسایی می شد.

توضیح:

تفاوت دیدگاه کانت با فیلسوفان گذشته در باره مفاهیم فلسفی :

فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا عقیده داشتند که «عقل» این مفاهیم فلسفی را از «واقعیت» گرفته و انتزاع کرده است (ابژکتیو) اما کانت معتقد بود این مفاهیم ساختار ذهن انسان هستند (سوبژکتیو) و «عقل و ذهن» اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند.

4- اوگوست کنت (تجربه گرا)

• تحت تأثیر کانت بود

• «عقل فلسفی» را کاملاً ذهنی و بی اعتبار خواند که ناظر بر واقعیات نیست و ساخته ذهن و تأملات ذهنی فلاسفه است

• عقل رافقط قوه استدلال مبتنی بر حس و تجربه می داند و معتقد است آن گاه که به روش حسی و تجربی وارد عمل شود به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد.

سوالات تشریحی

1- مفهوم دین ما را به یاد مفهوم عرفان به یاد.....و.....و مفهوم فلسفه به مفهوم.....و.....می اندازد.

پاسخ: ایمان- شهود- عشق- عقل - عقلانیت

2- از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان یاد می کنند.

پاسخ: عقل

3- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را می دانند.

پاسخ: عقل

4- منظور ارسطو از ناطق در تعریف انسان به «حیوان ناطق»، بوده است.

پاسخ: عاقل

5- تاریخ فلسفه با تاریخ پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات «معنا» و «محدوده» با تحولات فلسفه گره خورده است.

پاسخ: تاریخ عقل - عقل

6- تعریف عقل را بنویسید.

پاسخ: الف- عقل توانمندی است که به کمک آن «استدلال» می کنیم ب- از طریق استدلال به دانش ها و حقایقی می رسیم.

7- عقل انسان با استدلال خود چه اموری را در می یابد؟

پاسخ: می تواند در یابد که: الف- چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست (عقل نظری) ب- می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد یا کدام سخن درست و کدام سخن نادرست و کدام رفتار پسندیده و کدام رفتار ناپسند است. (عقل عملی)

8- چرا قدرت «عقلی» افراد با یکدیگر متفاوت است؟

پاسخ: از نظر فیلسوف این توانمندی در کودک به صورت «بالقوه» است؛ با «تربیت و تمرین» به متفاوت است. برخی افراد به همین سبب در افراد مختلف، «فعالیت» (ظهور) می رسد و تقویت می شود. قدرت عقلی بیشتر و برخی قدرت عقلی کمتری دارند.

مصداق وجودی عقل می باشند- 9

پاسخ: فرشتگان

- غیر از قوه استدلال ، عقل چه کاربرد دیگری دارد؟ 10

پاسخ: کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند و در افعال خود هم به ابزاری نیاز ندارند و فیلسوفان می گویند بسیاری از «فرشتگان» که در کتاب های آسمانی از آنان یاد شده است همین موجودات عقلانی اند

- ویژگی های موجودات عقلانی (فرشتگان) چیست؟ 11

پاسخ:

- مجرد و غیر مادی هستند و در قید زمان و مکان نیستند 1

- در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند 2

- مربوط به عالم عقل هستند3

- با حواس ظاهری درک و دریافت نمی شوند4

- وجود آن ها با دلیل و برهان اثبات می شود5

و نیازی به مفاهیم و استدلال مفهومی _ علم آن ها از طریق استدلال و کنار هم قرار دادن مفاهیم نیست6
ندارند

- آن ها حقایق اشیا را «شهود» می کنند7

12- ؟ به نظر فیلسوفان الهی چه ارتباطی بین روح انسانی و موجودات عقلانی (فرشتگان) است

پاسخ:

این فیلسوفان معتقدند روح انسانی استعداد رسیدن به مرتبه ای از عقل را دارند که با تهذیب نفس کاملاً از جسم و ماده جدا باشد و در عین حال که از قوه استدلال بر خوردار است، همچون عقول بسیاری از حقایق را «شهود» کند

- فیلسوفان الهی قوه استدلال را مرتبه.....عقل ومرتبه عالی آن می دانند13

پاسخ: نازل و پایین- شهود

((توضیح دهید - فیلسوفان توانایی بشر را در ساختن مفاهیم کلی ناشی از چه چیزس می دانند؟14

خود پرتویی از همان عقل است که در وجود هر، پاسخ: می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی انسانی هست

- اهمیت ساختن مفاهیم کلی توسط عقل چیست؟15

پاسخ: پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی « صورت بندی استدلال» را پیدا می کند و قیاس های مختلفی را آن گونه که در منطق گفته شده، می سازد

- حوزه و محدود طرح مباحث مربوط به عقل در دوره باستان چگونه بوده است؟16

پاسخ: از چین در شرق آسیا تا یونان و رم در اروپا ، گزارش هایی در باره عقل و تحلیل و تبیین فیلسوفان وجود دارد

- یکی از کانون هایعقل گرایی و خرد ورزیباستان بوده است17

پاسخ: اولیه- ایران

- کدام منابع از خرد گرایی در ایران باستان گزارش داده اند؟18

- برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به آن دوره2- گزارش فردوسی در شاهنامه و 1 پاسخ:

- دیدگاه حکمای ایران باستان در باره عقل چیست و به کدام معانی عقل توجه داشته اند؟19

پاسخ:

هر دو معنای عقل را قبول داشته اند؛●

یعنی: الف- وجود نورانی و مجرد ب- تعقل و خرد ورزی و برهان

- در اندیشه حکیمان ایران باستان چه ارتباطی بین خرد و وجود آفریدگار است؟ 20

خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است. ● پاسخ

کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند ●

(نفوس انسانی) و خرد ها را آفریده است بر اساس خرد و با اندیشه خود جهانیان و وجدان ها ●

به نظر می رسد خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست ●

(/ کزین برتر اندیشه بر نگذرد (به نام خداوند جان و خرد - شاهد از شاهنامه فردوسی

- نظر هراکلیتوس از فلاسفه یونان باستان در باره عقل چیست و کدام یک از معانی عقل را می پذیرد؟ 21

پاسخ:

- نطق 2- عقل 1 هراکلیتوس از حقیقتی سخن گفته که دو معنا دارد: logos « به نام «لوگوس» ●

(تفکرو خرد و قوه استدلال - موجود مجرد نطق - (عقل پس به هر دو معنای عقل توجه داشته ●

کلمات او محسوب می شوند - اشیای جهان بیان علم و حکمت عقل مجرد هستند ●

- کلمات و سخن 2- جهان و اشیا 1 عقل را دارای دو مظهر می داند: ●

- لوگوس در نزد هراکلیتوس به دو معنای و است. 22

پاسخ:عقل- نطق

- نظر پارمنیدس در باره عقل چیست و به کدام معنای آن توجه داشته است؟ 23

پاسخ :

(پس هر دو معنای معتقد به عقل مجردی است که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود ●

(عقل را می پذیرد یعنی الف- موجود مجرد ب- خرد و استدلال

- حس را معتبر نمی داند 2- حرکت و تغییر را نمی پذیرد 1 توضیح: پیش از این آموختیم پارمنیدس

- عقل را تنها ابزار شناخت معتبر می داند 3

- نظر افلاطون در باره عقل چه بوده است و کدام معنای عقل را می پذیرد؟ 24

پاسخ:

همان عقلی را که پارمنیدس قائل است می پذیرد و «عقل جهانی» یا «عقل کل» می نامد ●

(انسان نیز دارای قوه تفکر و استدلال 2- موجود مجرد - عقل کل 1 هر دو معنای عقل را می پذیرد : ●

(مراتبی از عقل است

- نظر ارسطو در باره عقل چیست و کدام معنای آن را مد نظر دارد؟ 25

پاسخ:

- ای دارد به عقل به عنوان قوه استدلال توجه ویژه
- عقل را بر اساس « کاری که انجام می دهد» به عقل نظری و عملی تقسیم می کند و بر اساس عقل نظری و عملی دانش بشر را نیز به دو قسم نظری و عملی تقسیم می کند
- (استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرده و انواع استدلال را در منطق خود تدوین کرد) (کاربرد هر کدام را مشخص ساخت)
- (انسان را حیوان ناطق نامید) متفکر
- عقل را ذاتی انسان می دانست
- تصویر « روشن تری » از عقل عرضه کرد

- ارسطو به عقل به عنوان قوه.....توجه ویژه ای داشته است 26

پاسخ: استدلال

- به اعتقاد ارسطو قوه عقل بر اساس.....به عقل نظری و عملی تقسیم می شود 27

پاسخ: کاری که انجام می دهد

- ارسطو در بخش.....خود استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرده و کاربرد هر یک را 28 نشان می دهد.

پاسخ: منطق

- ارسطو انسان را با مفهوم « حیوان ناطق » تعریف کرد که در آن مقصود از نطق همانبود 29

پاسخ: تفکر

با توجه به تحولات عقل در اروپا، در چند دوره می توان به تحول معنایی عقل اشاره و آن را بررسی - 30 (کرد؟) ویژگی های هر دوره را بنویسید

پاسخ:

در اروپا ، جایگاه و مراحل تحول و تطور عقل را باید در سه دوره بررسی کرد

(دوره اول حاکمیت کلیسا 9 تا 3- دوران قرون وسطی (حدود قرن 1

بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند

برخی از آنان عقل را امری « شیطانی » می دانستند و در مقابل استدلال های عقلی می ایستادند

عقل قوی را از آن کسانی می دانستند که در برابر شبهه های عقل بایستند و در ایمان خود استوار بمانند

(13 تا 11- فیلسوفان دوره دوم حاکمیت کلیسا) حدود قرن های 2

با مطالعه آثار ابن سینا و ابن رشد موضع آنان در برابر عقل تغییر کرد

(به عقل روی آورده و مسائل دین را تبیین عقلانی کردند (قلمرو و حوزه عقل) ●

این توجه به عقل به دلیل ناسازگاری با مبانی کلیسا، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد ●

(- دوره رنسانس (آغاز عصر خرد 3

، در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد ●
عقل جایگاه ویژه ای پیدا کرد

عقل یگانه مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی می شد ●

عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند ●

- در دوره اول حاکمیت کلیسا عقل امری.....پنداشته می شد 31

پاسخ: شیطانی

- در دوره دوم حاکمیت کلیسا فیلسوفان و حکیمان مسیحی بهمسائل دینی روی آوردند 32

پاسخ: تبیین عقلانی دین

- در دوره رنسانس یگانه مرجع درستی و نادرستی عقاید.....بود 33

پاسخ: عقل

- در ابتدای توجه به عقل در اروپا چه جریان هایی شکل گرفت؟ 34

در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد به: پاسخ
گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «عقل گرا» و «تجربه گرا» تقسیم شدند

- دیدگاه فرانسیس بیکن «تجربه گرا» در باره عقل چه بود و کدام معنای آن را می پذیرفت؟ 35

پاسخ:

روش «تجربی» بهترین روش برای «پیشرفت زندگی بشر» است ●

استدلال های عقلی را بت می داند که فلاسفه قدیم مانند ارسطو آن ها را ساخته اند ●

از فیلسوفان می خواهد از استدلال های عقلی دست بردارند و به آنچه از طریق تجربه به دست می آید ●
(تکیه کند) هیچ کدام از معانی عقل را نمی پذیرد

- بیکن از استدلال های عقلی به عنوان.....یاد می کند 36

پاسخ: بت ها

- دیدگاه دکارت «عقل گرا» در باره عقل چیست و کدام معنای آن را می پذیرد؟ 37

پاسخ:

(بدیهیات عقلی- استدلال های عقلی محض- و شناخت تجربی که همکاری حس و همه توانایی های عقل ●
عقل است) را می پذیرد

- با عقل و استدلال می توان الف- وجود خدا ب- نفس مجرد انسان ج- اختیار انسان را اثبات کرد
- به عقل به معنای یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان آن گونه که فیلسوفان مسلمان اعتقاد داشتند، عقیده ای نداشت

● عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست

- دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی.....می دانست 38

پاسخ: استدلال

- دیدگاه کانت در باره عقل چیست؟ 39

پاسخ:

کانت:

- در داوری میان عقل تجربه این بخش از نظر تجربه گرایان را که عقل نمی تواند اموری مانند خدا- نفس و ((شباهت با تجربه گرایان اختیار را اثبات کند پذیرفت

● اختلاف با تجربه گرایان ← (این امور را انکار نکرد اما راه متفاوتی برای اثبات آن ها بیان کرد(اخلاق

- در باره مفاهیم فلسفی مانند: «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت»، قالب های ذهنی می دانست و بر اساس ساختار ذهنی قابل اثبات می دانست و معتقد بود عقل و ذهن اشیای خارجی را در این قالب ها درک می کنند

● این بیان کانت در باره نحوه شناخت اشیای در قالب مفاهیم ذهنی تحولی عظیم در کار کرد «عقل به به وجود آورد که در ضمن آن مفاهیم ذهنی نیز شناسایی می شد «عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی

- تفاوت دیدگاه کانت با فیلسوفان گذشته در باره مفاهیم فلسفی چیست؟ 40

پاسخ: فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا عقیده داشتند که «عقل» این مفاهیم فلسفی را از «واقعیت» گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود این مفاهیم ساختار ذهن انسان هستند و «عقل و ذهن» اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند

- اهمیت سخن کانت در باره درک اشیای خارجی در قالب مفاهیم ذهنی توسط عقل چیست؟ 41

پاسخ: این بیان کانت تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان « ابزار شناخت ذهنی» را شناسایی می کند «واقعیت»، به امری بدل کرد که مفاهیم

-اوگوست کنت تحت تأثیر کدام فیلسوف در باره عقل نظر خود را بیان کرد و دیدگاه او در باره عقل چه 41 بود؟

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

پاسخ:

تحت تأثیر کانت بود●

- «عقل فلسفی» را کاملاً ذهنی و بی اعتبار خواند زیرا ناظر بر واقعیات نیست و ساخته ذهن و تأملات ذهنی فلاسفه است

- عقل رافقط قوه استدلال مبتنی بر حس و تجربه می داند و معتقد است آن گاه که به روش حسی و تجربی وارد عمل شود به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد.

- از نظر کنت فقط عقل از طریق.....می تواند به شناخت واقعیت نایل شود؟ 42

پاسخ: علم تجربی

به تدریج در چه مسائلی تأثیر گذاشت؟ - دیدگاه کنت 43

- نگاه انسان به خود و جهان 3- توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه 2- نسبت عقل و دین 1 پاسخ:

- آیا می توان گفت اوگوست کنت تجربه گرا به کلی منکر عقل در شناخت است؟ 44

پاسخ: خیر بلکه او معتقد است عقل می تواند از طریق علم تجربی به شناخت واقعیت دست یابد

سوالات تست

- مقصود فیلسوفان از عقل چیست و آن را چگونه معنا می کنند؟ 1
- عقل همان موجودات مجرد از ماده و جسم هستند که حقایق اشیا را شهود می کنند 1
- عقل به همان معنای نفس است که حاکم بر اعمال و رفتار انسان است 2
- عقل نیروی باطنی است که شهوات و هواهای شیطانی درون انسان را به بند می کشد 3
- عقل توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم و به دانش ها و حقایق می رسیم 4
- در باره مصداق وجودی عقل کدام گزینه نادرست است؟ 2
- موجوداتی مجرد و غیر مادی و بی زمان و مکان هستند 1
- موجوداتی هستند که در افعال خود بی نیاز از ابزار مادی هستند 2
- موجوداتی معقول و قابل اثبات از طریق عقل و براهین هستند 3
- عقول از طریق استدلال به حقایق عالم دست می یابند و آن را شهود می کنند 4
- با توجه به آرای فلاسفه در خصوص عقل ، همگی آن ها کدامیک از قوای زیر را برای عقل حتمی می - 3 دانند و در آن مشترک هستند؟
- تفکیک حُسن و قبح به معنای فضیلت و رذیلت 1
- قوه استدلال و ترکیب قانونمند قضا یا 2
- قوه تصدیق و تصور به کمک حس 3
- توانایی ساختن مفاهیم کلی همچون کلیات خمس 4
- کدام مورد به تفاوت عقل استدلالی در انسان و عقل در اصطلاح عالم عقول اشاره ندارد؟ 4

- عقل استدلالی قوه و توانایی درک حقایق است ولی عالم عقول خود حقایقی هستند که باید با این عقل 1 درک شوند

-عالم عقول عالم مجردات است که با حواس قابل درک نیست 2

عالم عقول بر خلاف عقل انسان از طریق استدلال و کنار هم قرار دادن به نحو درست فراهم می شود 3

- عقول از طریق شهود، حقایق اشیا را در می یابند ولی انسان با استدلال مفهومی 4

- کدام گزینه جز اندیشه های رایج در ایران باستان نسبت به عقل نیست؟ 5

- انسان برای فهم امور باید به یک عقل کلی متصل شود 1

عقل اساس خدا در خلقت بوده است- 2

- عقل در یک معنا، وجودی مجرد است 3

- وجود عقل با وجود خداوند متعال وحدت دارد 4

- لوگوس توسط بیان شد و به و توجه داشت 6

- پروتاگوراس- حس- تجربه 2- هراکلیتس- عقل- نطق 1

- افلاطون- مثل- تفکر 4- گرگیاس- بحث- جدل 3

- کدام گزینه تفاوت رویکرد هراکلیتس با پارمنیدس را در باب عقل بیان می کند؟ 7

- عقل هراکلیتس سبب ظهور اشیا و کلمات می شود، عقل پارمنیدس عقل جهانی است که اشیا دارای 1 مرتبه ای از آن هستند

- از نظر هراکلیتس اشیا عالم مظهر علم و حکمت عقل است، عقل پارمنیدس وجود واسطه در فهم انسان 2 است

پارمنیدس عقل را سبب فهم امور انسان می -، هراکلیتس عقل را کلمه می داند که اشیا بیان علم اوست 3 داند

- هراکلیتس به حقیقت عقلی اشاره می کند که انسان برای فهم و دریافت به آن متصل می شود، در عقل 4 پارمنیدس اسان مرتبه ای از عقل محسوب می شود

- عقل کلی و لوگوس به ترتیب اصطلاح مورد استفاده چه کسانی هستند؟ 8

- پارمنیدس- هراکلیتس 4- افلاطون- هراکلیتس 3- پارمنیدس- لائوتسه 2- افلاطون- لائوتسه 1

- از نظر ارسطو به ترتیب کدام بخش از قوه عقل با مفاهیم اعتباری کار دارد و کدام بخش از آن با اراده 9 و اختیار آدمی عجین است؟

- عقل نظری- عقل نظری 2- عقل نظری- عقل عملی 1

- عقل عملی- عقل نظری 4 عقل عملی -- عقل عملی 3

تحولات و تطورات عقل در دوره جدید اروپا بیشتر حول چه موضوعی بوده است؟- 10



گروه مشاوره فراهموش
INSTAGRAM : FARA_HOOSH99
WEB : FARAHOOSH99.IR

- گستره دامنه 4- حدود توانایی 3- بهره وری بیشتر 2- تقسیم بندی عقول 1
- کدام گزینه از عقاید آباي کلیسا در مورد عقل نیست؟ 11
- عقل را امری شیطانی می دانستند 1
- عقل انسان را از ایمان باز می دارد 2
- ایمان قوی، نزد ستیز گران با عقل است 3
- عقل باید در جهت تأیید دین استفاده شود 4
- رابطه دین و عقل در قرون وسطی و دوره رنسانس، در کدام گزینه به درستی مطرح شده است؟ 12
- در قرون وسطی عقل و دین در کنار یکدیگر به شناخت مسائل می پرداختند 1
- در دوره رنسانس بر خلاف قرون وسطی عقل تابعیت دین را پذیرفت 2
- در قرون وسطی دین در مقابل عقل ایستاد و آن را تابع خود ساخت 3
- در دوره رنسانس عقل نقش دین را پذیرفت و در کنار یکدیگر به شناخت مسائل پرداختند 4
- کدام فیلسوف به جز عقل انسانی مصداق دیگری برای عقل در نظر نمی گیرد؟- 13
- ابن سینا 4- افلاطون 3- هراکلیتس 2- دکارت 1
- تفاوت نظر دکارت و کانت در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟ 14
- دکارت معتقد بود که مفاهیم فلسفی ساختار ذهن انسان اند، اما کانت آن را بر گرفته از واقعیت می دانست 1
- از نظر دکارت عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان را با استدلال اثبات کند اما کانت منکر این امر بود 2
- دکارت عقل را به عنوان یک حقیقت برتر و تعالی می دانست اما کانت آن را ابزاری برای شناسایی 3 مفاهیم ذهنی می دانست
- عقل در نزد دکارت قادر به شناختن بدیهیات است اما در نزد کانت تنها ابزاری است که از طریق علم 4 تجربی به شناخت واقعیت نایل می شود
- کدام فیلسوف عقل انسان را به عنوان ابزاری برای شناخت واقعیت خارجی و عینی می داند؟ 15
- بیکن 4- دکارت 3- کنت 2- کانت 1
- کدام دیدگاه در خصوص کنت صحیح نیست؟ 16
- او به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملا "ذهنی خواند 1
- او تنها استدلال تجربی را درست می دانست و استدلال عقلی صرف را قبول نداشت 2
- علم از نظر ارسطو منحصر به همین علم تجربی است و فلسفه را علم محسوب نمی کرد 3

- او به کلی عقل را زیر سوال برد و در فلسفه اش عقل جایگاهی نداشت 4
- در نگاه ابن سینا و دکارت به ترتیب، عقل مفاهیم فلسفی را و می کند 17
- کشف- ابداع 4- انتزاع- کشف 3- کشف- اختراع 2- ابداع- انتزاع 1

پاسخنامه

- گزینه 8 گزینه دو -7-گزینه یک 6- گزینه یک 5- گزینه سه 4- گزینه دو 3- گزینه چهار 2- گزینه چهار 1
- 14 گزینه یک -13- گزینه سه 12- گزینه چهار 11- گزینه سه 10 (53- گزینه سه) در پاورقی صفحه 9 سه
- گزینه سه 17- گزینه چهار 16- گزینه یک 15 گزینه دو

8 درس

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره عقل (2) عقل در فلسفه

در درس قبل معنا و ماهیت عقل و دیدگاه حکیمان و فلاسفه ایران و یونان باستان و نیز دیدگاه برخی از فلاسفه اروپایی در باره عقل بیان شد؛ در این درس با نظرات فلاسفه مسلمان در باره عقل و مقایسه آن با نظرات فلاسفه اروپایی پرداخته می شود

در جهان اسلام به عقل و عقلانیت توجه ویژه ای است؛ یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان است

جایگاه عقل نزد مسلمانان

- کمتر کسی است که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد
 - ممتاز و ویژه ای دارد در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه
 - همواره از عقل به تجلیل یاد شده است
 - جایگاه ویژه عقل برای مسلمانان سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش شده است
- نکته: برخی از جریان های فکری اسلامی با عقل مخالفت کردند که به دو شکل عمده ظهور کرد

شکل اول: تنگ کردن محدوده اعتبار و کار آمدی عقل در عین پذیرش آن

در این شکل این جریان ها می کوشیدند نشان دهند

- برخی روش های عقلی در مسائل دین کاربردی ندارد 1

مرتکب خطا می شوند،- کسانی که از این روش ها استفاده کنند 2

مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی: شکل دوم

نقد فلاسفه بر نظر جریان های اسلامی در شکل دوم

- بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد

- فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است و هر فردی از هر ملیتی می تواند وارد آن شود ، در باره مسائل بیندیشد و تولید دانش کند «هستی و حقیقت اشیاست» آن که مربوط به
- اگر عقل انسان بتواند در باره هستی «بما هو هستی» و حقیقت پدیده ها بیندشد و دانشی به ارمغان است «فلسفه» آورد، آن دانش
- در درستی و نادرستی یک دانش فقط «استدلال» است که داوری می کند نه یونانی یا ایرانی یا چینی بودن آن

دو مصداق عقل نزد فیلسوفان مسلمان

تمام فیلسوفان مسلمان از دو مصداق عقل سخن گفته و آن را پذیرفته و در باره آن کتاب نوشته اند:

1- عقل به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی

2- عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت

الف- نظر فلاسفه در باره عقل به عنوان وجودی برتر در هستی

- اولین مخلوق خداوند است
- کاملاً روحانی و غیر مادی است
- عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند (در حکمت مشا به ده عقل اشاره شده است)
- فوق عالم طبیعت هستند
- فیض خدا از طریق آن ها به عوالم دیگر می رسد
- هم به خود هم خالق خود و هم به مخلوقات پایین تر از خود «علم حضوری» دارند؛ (علم بی واسطه و مستقیم)
- هر دم در کار اداره و فیض رسانی به مخلوقات پایین تر از خود هستند
- عقلی که در انسان است پرتویی از همان عالم عقول است

در بیت « غیر این عقل تو حق را عقل هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست»

در این بیت عقل اول قدرت اندیشیدن و عقل دوم همان وجود برتر و متعالی است

یکی از این عقول عقل فعال نام دارد که:

- 1- عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست (یعنی قدرت انسان در فهم امور، فیض خداوند است که از طریق آن ها به انسان می رسد).

توجه: این دیدگاه شبیه دیدگاه پارمنیدس است که قائل به عقلی بوده که عقل انسان ها برای فهم امور به آن متصل است.

2- نسبت و مقام و منزلت عقل فعال به انسان مانند نسبت آفتاب به چشم است

ب- عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت:

● عموم فلاسفه مسلمان مبنای مشترکی در باره عقل دارند و معتقدند همه کارکرد های عقل (بدیهیات - شناخت تجربی - شناخت عقلی محض) و انواع استدلال ها (استدلال های تجربی - تمثیل و برهان های عقلی محض) در جایگاه خود روشی درست برای کسب شناخت هستند.

توضیح بیشتر:

کارکرد های عقل :

- 1- شناخت عقلی از طریق استدلال عقلی محض بدون هیچ ابزار دیگری
 - 2- بدیهیات اولیه عقلی (خود به خود روشن هستند و نیاز به دلیل ندارند؛ مانند: «اجتماع نقیضین محال است»)
 - 3- شناخت تجربی (تحلیل عقلی داده های حسی و تجربی / همکاری حس و عقل)
 - 4- علم حضوری (شهود عقلانی محض و بی واسطه)
- انواع استدلال ها:

- 1- استدلال های تجربی (استقرایی)
 - 2- استقرایی تمثیلی
 - 3- استدلال های برهانی یا قیاسی
- استدلال های عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر نظر علمی و فلسفی هستند
- ابن سینا می گوید: هر کس عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد از حقیقت انسانی خارج شده است (ما فرزندان دلیل هستیم)
- با توجه به این مبنای مشترک عموم مسلمانان معتقدند:

- 1- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ بنابراین ایمانی ارزشمند است که «پشتوانه عقلی» داشته باشد در غیر این صورت انسان را به کارهای غلط می کشاند
 - 2- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار (حس و قلب) یکی از ابزار معرفت می دانند
 - 3- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار (قرآن و سنت) یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند
- منابع معرفت: 1- قرآن 2- سنت 3- اجماع 4- عقل

جایگاه عقل در دین 1- منبع معرفت دینی 2- ابزار کسب معرفت دینی

- 4- از نظر فیلسوفان مسلمان استدلال عقلی و شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود
- 5- ملا صدرا می گوید: امکان ندارد احکام و قوانین دین حق و روش الهی با دانش و معرفت یقینی د رتعارض باشد

سوالات تشریحی

1- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چیست؟

پاسخ: پیام الهی- سخنان پیامبر اکرم (ص) و- سخنان عترت ایشان

2- جایگاه عقل در نزد فلاسفه و شخصیت های مسلمان چیست؟

پاسخ:

الف- کمتر شخصیتی است که در باره عقل سخن نگفته باشد

ب- کمتر شخصیتی است که با عقل ستیز کرده باشد

ج- عقل در فرهنگ مسلمانان جایگاه ویژه ای دارد که این جایگاه ویژه سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شده است

3- دو شکل عمده مخالفت برخی از جریان های فکری مسلمان با عقل چیست؟

پاسخ:

1- تنگ کردن محدوده اعتبار و کار آمدی عقل در عین پذیرش آن

2- مخالفت با فلسفه و منطق ، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی

4- در شکل اول ، دلیل مخالفت با عقل چیست؟

پاسخ:

این جریان ها کوشیده اند نشان دهند : الف- برخی روش های عقلی در دین کاربردی ندارند ب- کسانی که از این روش ها استفاده می کنند ، مرتکب خطا می شوند

5- چه نقدهایی بر شکل دوم مخالفت با عقل از طرف برخی جریان های اسلامی وارد است؟

پاسخ:

1- بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد

2- فلسفه دانش و شاخه ای از «معرفت» است که هر فردی از هر ملتی می تواند وارد این شاخه از دانش شود و در باره مسائل آن که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست ، بیندیشد و تولید دانش کند

3- با استفاده و بهره گیری از نظرات متفکران و نقد و بررسی آن ها می توان باعث پیشرفت این دانش شد

4- اگر ما بپذیریم عقل می تواند در باره هستی «بما هو هستی» و حقیقت پدیده ها بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد ، این دانش فلسفه است

5- در درستی و نادرستی یک دانش فقط «استدلال» است که داوری می کند نه ملیت خاصی

6- مسائل فلسفه مربوط به.....و.....است.

پاسخ: هستی - حقیقت اشیا

7- فیسوفان مسلمان با کدام مصداق عقل موافق هستند؟

پاسخ: فیلسوفان مسلمان از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، در باره هر دو مصداق عقل سخن گفته اند و پیرامون هر دو کتاب نوشته اند.

8- دو مصداق عقل نزد فیلسوفان مسلمان کدام است؟

پاسخ: 1- عقل به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی 2- عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت

9- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از و مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند.

پاسخ: هراکلیتوس - افلاطون

10- ویژگی های عقول (موجودات برتر و متعالی در هستی) از نظر فیلسوفان مسلمان چیست؟

پاسخ:

- اولین مخلوق خداوند است
- کاملاً روحانی و غیر مادی است
- عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند (در حکمت مشا به ده عقل اشاره شده است)
- فوق عالم طبیعت هستند
- فیض خدا از طریق آن ها به عوالم دیگر می رسد
- هم به خود هم خالق خود و هم به مخلوقات پایین تر از خود «علم حضوری» دارند؛ (علم بی واسطه و مستقیم)
- هر دم در کار اداره و فیض رسانی به مخلوقات پایین تر از خود هستند
- عقلی که در انسان است پرتویی از همان عالم عقول است

11- پیام این بیت را بنویسید.

« غیر این عقل تو حق را عقل هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست »

پاسخ: الف- علاوه بر عقل به عنوان قوه استدلال به عقل به عنوان وجودی برتر اشاره دارد

ب- نشان دهنده عقول مجرد و تدبیر گر است

ج- مولوی در این بیت عقل را نخستین مخلوق دانسته است

12- از نظر فیلسوفان مسلمان چه ارتباطی بین عقل انسان و عالم عقول است؟

پاسخ: آنان می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتویی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند.

13- کدام عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست و نسبت آن به انسان مانند چه نسبتی است چرا؟

پاسخ: عقل فعال

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان ، مانند آفتاب است به چشم؛ زیرا همان طور که آفتاب روشنی بخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینای بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقل آدمی افاضه می کند ، به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نایل می شود.

14- نسبت عقل فعال به عقل آدمی مانند نسبتاست به

پاسخ آفتاب- چشم

15- سبب فعالیت و ادراک حقایق توسط عقل آدمی.....است.

پاسخ: عقل فعال

16- چرا فیلسوفان مسلمان را نمی توان به دو گروه «عقل گرا» و «تجربه گرا» تقسیم کرد؟

پاسخ: زیرا عموم آنان عقیده دارند که همه کار کرد های عقل و انواع استدلال ها از جمله استدلال های تجربی ، تمثیل و برهان های عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.

17- کارکرد های عقل چیست؟

پاسخ:

1- شناخت عقلی از طریق استدلال عقلی محض بدون هیچ ابزار دیگری

2- بدیهیات اولیه عقلی (خود به خود روشن هستند و نیاز به دلیل ندارند؛ مانند: «اجتماع نقیضین محال است)

3- شناخت تجربی (تحلیل عقلی داده های حسی و تجربی / همکاری حس و عقل)

4- علم حضوری (شهود عقلانی محض و بی واسطه)

18- انواع استدلال کدام است؟

پاسخ:

1- استدلال های تجربی (استقرایی)

2- استقرای تمثیلی

3- استدلال های برهانی یا قیاسی

19- از نظر فیلسوفان مسلمان معیار «اولیه» قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی چیست؟

پاسخ:

استدلال های عقلی گروه مشاوره فراهوش

20- چرا فیلسوفان مسلمان می گویند: «ما فرزندان دلیل هستیم و ابن سینا در این زمینه چه می گوید؟

WEB : FARAHOOSH99.IR

پاسخ: از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال‌های عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر حکم و عقیده‌ای است به همین دلیل گفته‌اند «ما فرزندان دلیل هستیم».

ابن سینا می‌گوید: «هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.»

21- با توجه به اینکه مبنای مشترک تمام فلاسفه اسلامی برای رد یا پذیرش هر سخن یا نظری «استدلال عقلی است»، اعتقاد فلاسفه در باره کاربرد عقل در دین را بنویسید. (اهمیت عقل در دین)

پاسخ:

1- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است و بنابراین ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد.

2- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار (حس و قلب) یکی از «ابزار» کسب معرفت می‌دانند و معتقدند ما به کمک این ابزار می‌توانیم در آیات و احکام بیندیشیم و احکام و معارف آن را به دست آوریم.

3- همچنین فیلسوفان مسلمان عقل را در کنار (قرآن و سنت)، یکی از «منابع» کسب احکام و معرفت دین معرفی می‌کنند و از محققان و مجتهدان می‌خواهند از این منبع برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند.

4- از نظر فیلسوفان مسلمان، «استدلال عقلی»، «شهود» و «وحی»، هر سه ما را به حقیقت می‌رسانند و لذا در موضوعات مختلف به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگرند.

22- آیا توانایی افراد در «استدلال عقلی» به یک اندازه است؟

پاسخ: خیر بلکه برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

23- جایگاه عقل در دین چیست؟

پاسخ: 1- عقل به عنوان «منبع» معرفت دینی 2- عقل به عنوان «ابزار» کسب معرفت

24- آیا «اساس» قرار دادن «استدلال عقلی» به عنوان معیار پذیرش و رد هر اعتقاد و آیینی به مفهوم منحصر کردن راه کسب معرفت در این ابزار است؟ (با دلیل بنویسید)

پاسخ: خیر بلکه آن‌ها «حس و شهود» را هم معتبر می‌دانند؛ دلیل: الف- برخی از آنان تلاش می‌کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند؛ ب- آنان همچنین وحی را عالی‌ترین مرتبه شهود می‌شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد و انبیای الهی از این طریق به عالی‌ترین دانش‌ها و معارف دست می‌یابند و در اختیار انسان‌های دیگر قرار می‌دهند.

25- فیلسوفان مسلمان.....را عالی‌ترین مرتبه شهود و مختص به.....می‌دانند.

پاسخ: وحی - پیامبران

26- چرا گاهی احساس می‌کنیم بین عقل و وحی تعارض و اختلاف وجود دارد و در این مواقع وظیفه ما چیست؟

پاسخ: ما انسان‌ها چون توان مندی‌های عقلی «محدود» و «متفاوتی» داریم، ممکن است از استدلال عقلی به درستی استفاده نکنیم و به نتیجه‌های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم بین عقل و وحی

تعارض وجود دارد.

وظیفه ما در چنین مواقعی آن است که:

1- تلاش علمی خود را افزایش دهیم

2- از دانش دیگران بهره ببریم و از تعارض های ظاهری بکاهیم

27- ملاصدرا در رابطه با سازگاری عقل و وحی و عدم تعارض بین آن ها چه می گوید؟

پاسخ: می گوید: «امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی ، با دانش و معرفت « یقینی و قطعی » در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آن ها مطابقت نکند.»

سوالات تست

1- فیض خداوند از چه طریقی به عوالم مختلف می رسد؟

1- عقل 2- نفس 3- آسمان 4- انسان

2- کدام گزینه در باره جایگاه عقل در اسلام نادرست است؟

1- سخنان پیامبر(ص) در باره عقل عامل مهمی در تعیین جایگاه عقل در اسلام است

2- عقل ستیزی در تاریخ اسلام جریان غالب و مسلطی محسوب نمی شود

3- عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای داشته و دارد

4- کمتر شخصی در تاریخ اسلام ، در بزرگداشت عقل سخن گفته است

3- کسی که می گوید: فلسفه در اصل یونانی است و با اسلام سازگاری ندارد ، در حقیقتمحدود می کند.

1- حیطه تفکر دینی را به شریعت 2- فلسفه را به زبان و فرهنگی خاص

3- عقل را تنها به فلسفه و منطق 4- فلسفه را به نوعی تفکر عقلانی

4- کدام توصیف در باره موجودات عالم عقل نادرست است؟

1- واسطه فیض الهی محسوب می شوند 2- کاملاً موجوداتی روحانی و مجردند

3- پرتویی از عقل انسان شمرده می شوند 4- نخستین مرتبه از عالم خلقتند

5- در باره عقول مجرد می توان گفت از نظر فلسفیشمرده می شوند.

1- واجب الوجود بالذات 2- ممکن الوجود بالذات 2- ممکن الوجود بالغير 4- غنی بالذات

6- علم حضوری عقول مجرد با کدام اصطلاح معرفت شناسی قرابت بیشتری دارد؟

1- برهان 2- استدلال عقلی 3- شهود عقلی 4- شهود قلبی

7- اگر نتایج عقلی ما با دستاورد های وحی در تعارض قرار گیرد، قطعاً...

- 1- این تعرض را باید ظاهری و ناشی از استفاده نادرست ما از استدلال دانست
 - 2- باید جانب عقل را بگیریم زیرا فیلسوف هیچ سخنی را بی دلیل نمی پذیرد
 - 3- نشان دهنده کاربرد عقل در حیطة ایست که در آن حیطة اعتباری ندارد
 - 4- باید عقل را ناتوان از درک وحی بدانیم و محدوده کاربردش را تنگ تر کنیم
- 8- در باره استدلال عقلی کدام گزینه نادرست است؟

- 1- استدلال عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند
 - 2- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار حس و قلب، یکی از ابزار کسب احکام و معارف دین می دانند
 - 3- فلاسفه مسلمان تنها راه کسب معرفت را عقل می دانند
 - 4- فلاسفه مسلمان وحی را عالی ترین مرتبه شهود می دانند نه عقل
- 9- از راه های کسب معرفت کدام گزینه مورد نظر فلاسفه مسلمان نیست؟
- 1- قلب و حس در کنار عقل از ابزار کسب معرفت اند
 - 2- وحی عالی ترین مرتبه شهودی برای انبیا و طریقه کسب حقایق است
 - 3- شهود علاوه بر عقل از منابع معتبر به حساب می آید
 - 4- معرفت حسی به جهت خطا پذیر بودن، ناتوان از رسیدن به شناخت است
- 10- اساس پذیرش یک آیین از منظر فلاسفه مسلمان کدام است؟
- 1- شهود
 - 2- استدلال عقلی
 - 3- ایمان قلبی
 - 4- پذیرش عقلی و قلبی
- 11- کدام عبارت با بیان ملاصدرا مطابقت ندارد؟

- 1- امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق با دانش و معرفت دینی در تقابل نباشد
 - 2- قوانین فلسف با قرآن و سنت متضاد نیست
 - 3- عقل و وحی دو منبع مؤید یکدیگر هستند
 - 4- نفرین بر فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مطابق نباشد
- 12- چرا تقسیم بندی عقل گرا و تجربه گرا برای برای فلاسفه مسلمان صدق نمی کند؟

- 1- زیرا آن ها اعتبار حس و تجربه را نمی پذیرند
- 2- زیرا تنها عده کمی از آن ها صرفاً عقل و استدلال عقلی محض را قبول دارند
- 3- زیرا همگی همه کارکردهای عقل و انواع استدلال عقلی را معتبر می دانند
- 4- به دلیل این سخن کلی در فلسفه اسلامی که قائل است «نحن ابناء الدلیل»

پاسخنامه

- 1- گزینه یک 2- گزینه چهار 3- گزینه دو 4- گزینه سه 5- گزینه دو 6- گزینه سه 7- گزینه یک 8- گزینه سه 9- گزینه چهار 10- گزینه دو 11- گزینه یک 12- گزینه سه

درس 9

« آغاز فلسفه در جهان اسلام (1) »

حدود سیزده قرن از ورود فلسفه به جهان اسلام می گذرد؛

«حیات فلسفی» نوعی «حیات علمی» است و این دو از میوه ها و ثمرات «حیات عقلی» هستند.

حیات عقلی ← حیات علمی ← حیات فلسفی

توضیح: اگر جامعه ای اهل تفکر و تعقل باشد (حیات عقلی)، شاخه های مختلف دانش شروع به رشد و تکامل می کنند؛ (حیات علمی) با رشد حیات علمی شاخه های مختلف آن ظهور می کند که یکی از آن ها (حیات فلسفی) است.

البته رشد حیات علمی و فلسفی نیز به نوبه خود در رشد تفکر و عقلانیت مؤثر است و آن نیز مجدداً به رشد علم و رشد فلسفه به عنوان یکی از شاخه های علم کمک می کند.

تذکر: با توجه به توضیحات، در صفحه 67 بخش انتخاب مورد «د» صحیح است.

زمینه های رشد فلسفه:

الف- زمینه اول: حضور عقلانیت و احترام به عقل در جامعه اسلامی توسط قرآن کریم و پیامبر (ص) و پیشوایان دین

ب- نهضت ترجمه در قرن دوم هجری و توجه به علوم مختلف از زبان های مختلف

زمینه اول:

مورخان علم گزارش داده اند که «حیات تعقلی» مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است و دلیل این مقارنت پایه گذاری حیات عقلی توسط پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم بوده است.

پیامبر اکرم (ص)، پیشوایان بزرگوار و قرآن کریم الف- با ایجاد فضای فرهنگی و اجتماعی در جهت بحث و گفتگو و ب- با دادن فرصت تفکر و اندیشه ورزی برای مردم، زمینه های لازم برای رشد حیات فلسفی را ایجاد کردند.

زمینه سازی های قرآن کریم و معصومین علیهم السلام برای رشد «حیات فلسفی» عبارت است از:

1- ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خرد ورزی

مثال: روزی رسول خدا وارد مسجد مدینه شد، دید که جمعی از مردم به عبادت مشغول اند و گروهی در باره مسائل علمی گفتگو می کنند. ایشان به سوی گروه دوم رفت و کنار آنان نشست و فرمود: «من برای گسترش علم مبعوث شده ام».

2- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خرد ورزی

INSTAGRAM : FARA_HOUSH99

WEB : FARAHOUSH99.IR

3- تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان

مثال: از امام صادق (ع) روایت شده است که مداد علما افضل از خون شهدا است

یا در نظر گرفتن پاداش نقدی برای ترجمه کتاب توسط حنین بن اسحاق

4- طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال

مثال: قرآن کریم می فرماید: « او اول است و آخر و ظاهر است و باطن و او به هر چیزی داناست».

یا امیر المؤمنین (ع) در باره فرشتگان می فرماید: « موجودات کاملی هستند عاری از ماده و قوه ؛ زیرا جملگی مجردند و فعلیت تمام دارند و نهایت کمال ممکن خود را دارا هستند، خداوند بر آن ها تجلی کرد ، نورانی شدند...»

5- مذمت پیوسته نادانی و جهل به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود

مثال: حضرت علی (ع): « کم من عزیز اذله جهله» چه بسیار عزیزی که نادانی اش او را خوار ساخت

6- دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آن ها

مثال: رسول خدا (ص) فرمود: « حکمت گمشده مؤمن است، آن را طلب کنید حتی اگر نزد مشرک باشد»

یا « علم را بجوئید حتی اگر در چین باشد»

دلیل و بر آغاز حیات عقلی (بحث و گفتگوی عقلی) از همان عصر پیامبر (ص): ↓

در همان قرن اول هجری دانشمندی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا ، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند.

نکته: این دسته از دانشمندان که موضوعات اعتقادی دین را با «استدلال و منطق» مورد بحث قرار می دهند، «متکلم» نامیده می شوند.

پس: حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز و بعد از دو قرن به حیات فلسفی انجامید.

تأثیر نهضت ترجمه به عنوان زمینه رشد حیات فلسفی:

نهضت ترجمه که از قرن دوم هجری آغاز شد ، منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شود و در نتیجه آن کتاب های گوناگونی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی، و سریانی در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.

در شرایطی که زمینه های لازم برای رشد فلسفی فراهم شد، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشته های دانش از جمله «فلسفه» سرآمد ملت های زمان خود شدند.

ویژگی فلسفه اسلامی: WEB : FARAHOOOSH99.IR

ضمن برخورداری از آراء افلاطون و به خصوص ارسطو، در بردارنده اندیشه های جدیدی (اصول و مبانی مکتب مشاء) بود که تا آن زمان سابقه نداشت.

اولین مکتب فلسفی و مطالب مرتبط به آن:

اولین مکتب فلسفه اسلامی «مکتب مشاء» نام گرفت.

یک تذکر بسیار مهم برای دانش آموزان کنکوری:

اگر سوال شود مؤسس مکتب مشاء چه کسی است؟ پاسخ درست ارسطو می باشد اما فارابی مؤسس فلسفه اسلامی است که او و پس از او ابن سینا که فلسفه اسلامی را گسترش داد، چون «متکی بر آراء ارسطو بودند و گرایش ارسطویی داشتند و ارسطو بیش از هر چیز به «قیاس برهانی» (استدلال عقلی یا روش تعقلی)، تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت و نبوغ استدلالی ابن سینا این صورت را با ظریف ترین موشکافی ها آراست ؛ بنا بر این این شیوه تفکر به خاطر مؤسس اول آن ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد.

پس مؤسس فلسفه اسلامی (مکتب مشاء) ← فارابی گسترش دهنده ← ابن سینا

موضوع ← مطلق وجود روش ← قیاس برهانی یا استدلال عقلی هدف ← شناخت کل جهان هستی

نکات:

فرق مکاتب فلسفه اسلامی با یکدیگر در «روش» است ؛ اما استدلال عقلی در تمام مکاتب فلسفی از ابزار رسیدن به معرفت است

فرق فلسفه با دیگر جریانهای فکری در «هدف» است.

برخی ابن سینا را هم دارای یک دستگاه فلسفی مستقل می دانند که در کتاب به آن اشاره ای نشده است. فارابی مؤسس فلسفه اسلامی:

• عالمان و مورخان فلسفه ، فارابی را بنیان گذار و مؤسس «حکمت مشائی» می دانند.

• دو کتاب ارزشمند فارابی : 1- جمع بین رأی الحکیمین (جمع میان نظرات دو حکیم)

توضیح در باره این کتاب: فارابی با میراث فلسفی یونان ؛ به خصوص آراء افلاطون و ارسطو به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در این کتاب ارائه دهد. (تطبیق)

2- اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه

توضیح در باره کتاب: فارابی با دقت و توانایی بسیار نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد. این کتاب راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو بود. (شرح)

• فارابی اهل سیاست نبود و با اهل سیاست معاشرت نداشت اما در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی نوشت

به گونه ای که برخی او را بزرگ ترین فیلسوف سیاسی اسلام می دانند.

توجه و دقت: دانش آموزان عزیز فارابی در موضوعات و مسائل مختلف به «سعادت» توجه ویژه دارد؛ در سوال های تست به این نکته دقت داشته باشید.

• به نظر فارابی انسان فطرتاً به اجتماع گرایش دارد و به نظر او مسیر «سعادت و کمال» از اجتماع می گذرد

- به نظر فارابی هدف اصلی از جامعه و مدینه: «سعادت در دنیا و آخرت» است.
- فارابی مدینه فاضله را به بدن سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد
- شباهت ها: 1- هر دو دارای اعضا هستند 2- در هر دو وظایف بین اعضا تقسیم می شود 3- در هر دو رئیس وجود دارد 4- در هر دو برخی از اعضا بر برخی دیگر تقدم و سلسله مراتب دارند.
- ویژگی های رئیس مدینه فاضله: الف- دارای روحی بزرگ و سرشتی عالی است و به عالی ترین درجات تفکر و تعقل رسیده تا بتواند احکام و شرایع را دریافت کند
- و با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد تا جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کند.

- فارابی مدینه جاهله را مقابل مدینه فاضله قرار می دهد
- هدف مردم مدینه جاهله: 1- سلامت جسم 2- فراوانی لذت ها
- مردم مدینه جاهله اگر به این دو هدف دست یابند خود را سعادتمند و در غیر این صورت بدبخت می دانند.
- نکته مهم: اگر گفته شود مردم مدینه جاهل سعادت و خوشبختی را نمی شناسند، نادرست است بلکه آن ها سعادت را در سلامت جسم و فراوانی لذت می دانند (در سوالات تست دقت بفرمایید)

سوالات تشریحی

- 1- از ورود فلسفه به جهان اسلام حدوداً چند قرن می گذرد؟
پاسخ: حدود سیزده قرن یعنی حدود سیزده قرن است که مسلمانان نوعی حیات علمی دارند که از آن به حیات فلسفی تعبیر می شود.
- 2- لازمه شکل گیری حیات علمی و فلسفی چیست؟
پاسخ: حیات عقلی
- 3- اولین فیلسوف مشهور مسلمان چه کسی است حدود چند کتاب از خود به یادگار گذاشته است و کدام فیلسوف اروپایی در باره او سخن گفته است؟
پاسخ: ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی- حدود 270 کتاب و رساله- هانری گربن فرانسوی در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی».
- 4- زمینه های رشد فلسفه در جهان اسلام چیست؟
پاسخ: 1- وجود حیات عقلی در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل
2- شکل گیری نهضت ترجمه
- 5- به گزارش مورخان علم حیات عقلی مسلمانان از چه زمانی بوده است؟

پاسخ: مورخان علم گزارش داده اند که حیات عقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است؛ به عبارت دیگر، پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم «حیات عقلی» جامعه اسلام می را پایه گذاری کردند.

6- قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) و پیشوایان دین، چه روش هایی را برای حضور عقلانیت در جامعه، در پیش گرفتند؟

پاسخ: پیامبر اکرم(ص)، الف- قرآن کریم و پیشوایان بزرگوار برای این حیات عقلی که همان فضای فرهنگی و اجتماعی جهت بحث و گفتگوی عقلانی است، زمینه سازی کردند؛ ب- فرصت تفکر و اندیشه ورزی برای مردم فراهم آمد و بسیاری از مردم وارد مباحثات علمی شدند.

7- برخی از زمینه سازی های قرآن کریم و معصومین (علیهم السلام) را برای حضور عقلانیت و شکل گیری حیات عقلی در جامعه را بنویسید.

پاسخ: 1- ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خرد ورزی

2- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خرد ورزی

3- تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان

4- طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال

7- مذمت پیوسته نادانی و جهل به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود

8- دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها

8- یکی از دلایل آغاز بحث و گفتگوی عقلی از همان عصر پیامبر(ص) را بنویسید.

پاسخ: از همان عصر رسول خدا(ص) بحث و گفتگوی عقلی در مسائل اعتقادی آغاز شد. در همان قرن اول هجری دانشمندی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند.

9- متکلم چه کسی است؟

پاسخ: آن دسته از دانشمندی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند.

10- نهضت ترجمه چه نقشی در شکل گیری «حیات فلسفی» داشت؟ (توضیح دهید)

پاسخ: نهضت ترجمه که از قرن دوم هجری آغاز شد یکی دیگر از زمینه های شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام بود.

البته این نهضت منحصر به دانش فلسفه نبود، بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد و در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.

11- شکل گیری «حیات فلسفی» توسط مسلمانان چگونه بود و چه ویژگی هایی داشت؟

پاسخ: با فراهم شدن زمینه حیات فلسفی یعنی حیات عقلی، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند؛ در فلسفه نیز یادگارهای

فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند. (فلسفه اسلامی)

ویژگی ها: ضمن برخورداری از آراء افلاطون و به خصوص ارسطو، در بر دارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت.

12- روش فلسفه اسلامی در آغاز چگونه و متکی به آراء کدام فیلسوف بود؟

پاسخ: فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود و از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت.

13- مؤسس اول «حکمت مشاء» چه کسی بود؟ و چرا فلسفه اسلامی به این نام معروف شد؟

پاسخ: ارسطو

و این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد.

14- عالمان و مورخان فلسفه را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند.

پاسخ: فارابی

15- دیدگاه فارابی در فلسفه سیاست به دیدگاه کدام فیلسوف یونانی نزدیک بود؟

پاسخ: به دیدگاه افلاطون

16- کتاب «جمع بین رأی الحکیمین» فارابی در چه زمینه ای است؟

پاسخ: فارابی با میراث فلسفی یونان به خصوص آراء افلاطون و ارسطو به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در این کتاب ارائه کند.

17- کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه» فارابی در چه زمینه ای است و کدام فیلسوف برای فهم کتاب ارسطو از آن بهره برد؟

پاسخ: فارابی در این کتاب با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد.

این کتاب راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.

18- چرا فارابی با اینکه مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت، از بزرگ ترین فیلسوفان سیاسی بود؟

پاسخ: زیرا در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت.

19- فارابی دلیل گرایش انسان به اجتماع را چه می داند؟

پاسخ: فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند و معتقد است که انسان به حسب فطرت و طبیع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هم نوعان خود زندگی کند.

20- به نظر فارابی مسیر سعادت و کمال از کجا می گذرد؟

پاسخ: به نظر فارابی مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد.

21- به نظر فارابی هدف اصلی از جامعه و مدینه چیست؟

پاسخ: سعادت در دنیا و آخرت

22- مدینه فاضله از دیدگاه فارابی کدام مدینه است؟

پاسخ: به نظر فارابی بهترین مدینه ها مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد و چنین جامعه ای «مدینه فاضله» است.

23- فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشبیه می کند؟

پاسخ: فارابی مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه میکند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد.

24- به نظر فارابی چه شباهتی بین اعضای مدینه فاضله با اعضای بدن است؟

پاسخ: همان گونه که در اعضای بدن هر عضو وظیفه خاصی دارد در مدینه فاضله هم وظایف بین افراد تقسیم شده است؛ همان گونه که در اعضای بدن، برخی یر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ همانطور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند.

25- ویژگی های رئیس مدینه فاضله چیست؟

پاسخ: رئیس مدینه فاضله روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد و به عالی ترین درجات تعقل رسیده است که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند؛ یعنی رهبر جامعه کسی پیامبر خدا نیست. پیامبر می تواند با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد.

26- فارابی با توجه به چه ویژگی پیامبران آنان را رئیس مدینه فاضله می داند؟

پاسخ: اتصال دائمی با ملک وحی

27- اتصال دائمی پیامبران با ملک وحی چه اهمیتی دارد؟

پاسخ: این اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

18- فارابی کدام مدینه را مقابل مدینه فاضله قرار می دهد و هدف مردم آن را چه می داند؟

پاسخ: مدینه جاهله

هدف مردم جاهله دو چیز است: 1- سلامت جسم 2- فراوانی لذت ها

19- مردم مدینه جاهله سعادت و بدبختی را در چه می دانند؟

پاسخ: رسیدن به سلامت جسم و فراوانی لذت ها را سعادت و دست نیافتن به آن را بدبختی می دانند.

20- تفاوت مدینه فاضله با مدینه جاهله در چیست؟

پاسخ: هدف- اهدافی که برای مردم مدینه تعریف شده است

هدف مردم مدینه فاضله رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و مدینه جاهله دست یابی به سلامت جسم و فراوانی نعمت

سوالات تست

2- به ترتیب هر یک از القاب مطرح شده‌ها کدام فیلسوف مرتبط است؟ «مهم ترین فیلسوف سیاسی اسلام م- اولین فیلسوف مشهور اسلام- معلم ثانی»

1- ابن سینا- فارابی- فارابی 2- ابن سینا- ابویوسف یعقوب بن اسحاق- ابن سینا

3- فارابی- ابوبشر متی بن یونس- فارابی 4- فارابی- ابو یوسف یعقوب بن اسحاق- فارابی

2- به ترتیب آغاز «حیات عقلی»، «حیات فلسفی»، «نهضت ترجمه» در جهان اسلام مربوط به قرون.....،
.....و.....است.

1- دوم- سوم- اول 2- اول- دوم- سوم 3- اول- سوم- دوم 4- سوم- دوم- اول

3- کدام عبارت با حیات عقلی مسلمانان ناسازگار است؟

1- حیات عقلی چندی پس از ظهور اسلام توسط پیامبر اکرم و قرآن کریم پایه گذاری شد

2- به جهت اتخاذ روش های خاص و بدیع پیامبر اکرم حیات عقلی به مرتبه ممتاز رسید

3- از زمینه های رشد حیات عقلی مسلمانان ، استفاده از علوم ملل مختلف بود

4- ارزش قائل شدن برای علما و دانشمندان از موارد ایجاد فضای مباحثات عقلانی است

4- کدام یک اولین پایه گذاران حیات عقلی در جهان اسلام محسوب می شوند؟

1- ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی و فارابی 2- فارابی و ابن سینا

3- پیامبر اکرم و قرآن کریم 4- ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی و فارابی

5- کدام گزینه جزء زمینه های حیات عقلی که پیامبر اکرم(ص) و قرآن کریم فراهم کرده بودند، نیست؟

1- بزرگداشت دانش و دانشمندان 2- طرح آثار معنوی خرد ورزی

3- دعوت به استعمال علوم ملل دیگر 4- مذمت جهل و نادانی

6- این سخن رسول خدا (ص) که فرمود: «حکمت گمشده مؤمن است ، آن را طلب کنید حتی اگر نزد مشرک باشد» با کدام مورد از زمینه سازی های اندیشه ورزی در اسلام به طور مستقیم تطبیق نمی شود؟

1- ارزش قائل شدن بر اصل تفکر و خردورزی

2- طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال

3- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خرد ورزی

4- دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آن ها

7- آن دسته از دانشمندانی که موضوعات اعتقادی دین را مورد بحث قرار دادند چه نامیده می شدند و از

چه ابزاری استفاده می کردند؟

- 1- متکلم- استدلال و منطق
- 2- فیلسوف- استدلال برهانی و منطق
- 3- متکلم- کتاب و سنت
- 4- فیلسوف- استدلال و خطابه
- 8- کدام گزینه درست نیست؟

1- فلاسفه مسلمان از حیث تاریخی نسبت به متکلمین متأخرند

2- حیات عقلی فضای پرورش دانشمندان و گسترش دامنه اختیار علماست

3- ریاضیات از جمله علوم بود که در نهضت ترجمه به آن توجه می شد

4- پهلوی یکی از زبان های مبدأ در نهضت ترجمه بود

9- کدام گزینه در باره آغاز فلسفه اسلامی نادرست است؟

1- سرشتی استدلالی داشت

2- کاملاً متکی بر آرای ارسطو بود

3- به خاطر مؤسس آن به حکمت مشاء معروف شد

4- از نبوغ استدلالی ابن سینا تأثیرات فراوانی پذیرفت

10- کدام یک در باره فلسفه نادرست است؟

1- مؤسس فلسفه اسلامی نویسنده کتاب اغراض مابعد الطبیعه است

2- شیوه تفکر فلسفه اسلامی در آغاز مشائی است

3- فلسفه اسلامی نوعی اندیشه های ارسطو است

4- فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت

11- مؤسس اول شیوه تفکر فلسفی به صورت کاملاً استدلالی که به «حکمت مشاء» معروف شد، کیست؟

1- فارابی 2- افلاطون 3- ابن سینا 4- ارسطو

12- کدام گزینه به نویسنده کتاب « جمع بین رأی الحکیمین » و هدفش اشاره دارد؟

1- فارابی- شرح دقیق آرای ارسطو

2- ابن سینا - شرح دقیق آرای ارسطو

3- ابن سینا- بیان وحدت و یگانگی اندیشه های افلاطون و ارسطو

4- فارابی- بیان وحدت و یگانگی اندیشه های افلاطون و ارسطو

13- کدام کتاب فارابی فلسفه تطبیقی و کدام کتاب شرح فلسفی است؟

1- الجمع بين رأى الحكيمين- اغراض ما بعد الطبيعه

2- جمع رأى بين دو حكيم- مابعد الطبيعه ارسطو

3- اغراض مابعد الطبيعه- جمع بين رأى دو حكيم

4- مابعد الطبيعه ارسطو- الجمع بين رأى الحكيمين

14- به چه دليل فارابى به معلم ثانى شهرت يافت؟

1- در منطق ارسطو مهارت خاصى داشت

2- اصلاح و تفسير آثار فيلسوفان پيشين

3- تأسيس حوزه جديد فلسفه اسلامى با معلومات خود

4- گرد آوردن ميراث يونانيان در حوزه هاى جديد

15- چرا فارابى هدف اصلى مدينه را سعادت در دنيا و آخرت مى داند؟

1- زيرا معتقد است مسير كمال بشر از زندگى اجتماعى مى گذرد

2- زيرا بر اين باور است كه انسان مدنى بالطبع است

3- زيرا جامعه اى با اين هدف بهترين مدينه هاست

4- زيرا اين هدف اصلى هدف هر انسانى است

16- کدام مورد در باره مدينه فاضله فارابى نادرست است؟

1- مدينه فاضله به بدنى سالم تشبيه شده كه هر عضو آن متناسب با ويژگى هاى خود وظيفه اى دارد

2- برخى از اعضاى مدينه فاضله بر برخى ديگر مقدم هستند مانند اعضاى بدن

3- همان طور كه مغز بر همه اعضاى بدن رياست دارد، رهبر مدينه بر مردم رياست دارد

4- در اين جامعه رياست مدينه مردم را در جهت نيل به سعادت حقيقى رهبرى مى كند

17- کدام گزينه از ويژگى هاى رئيس مدينه فاضله محسوب نمى شود؟

1- كسب عالى ترين مراتب تعقل

2- رسيدن به مقام پيامبرى

3- اتصال دائمى با ملك وحى

4- برخوردارى از سرشتى عالى و روحى بزرگ

18- فارابى در مقابل مدينه فاضله کدام مدينه را قرار مى دهد و مهم ترين تفاوت آن با مدينه فاضله

چيست و از چه نظر؟

1- مدينه فاسقه- هدف- هدف سلامت جسم و فراوانى لذات است

2- مدينه جاهله - مردم مردم چيزى از فضيلت نمى دانند

3- مدينه فاسقه- مردم- مردم چيزى از فضيلت نمى دانند

4- مدینه جاهله- هدف- هدف فقط سلامت جسم و فراوانی لذات است

19- کدام گزینه در ارتباط با مدینه جاهله نادرست است؟

1- مقابل مدینه فاضله قرار دارد

2- مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله، روش است

3- هدف فقط سلامت جسم و فراوانی لذات است

4- سعادت را به نادرستی دریافته اند

20- مهم ترین تفاوت مدینه فاضله با مدینه جاهله ، چگونه در مدینه فاضله متبلور می شود؟

1- سعادت 2- رذیلت 3- سیاست 4- ریاست

پاسخنامه

- 1- گزینه چهار 2- گزینه سوم 3- گزینه یک 4- گزینه سه 5- گزینه دو 6- گزینه دو 7- گزینه یک 8-
گزینه یک 9- گزینه دو 10- گزینه سه 11- گزینه چهار 12- گزینه چهار 13- گزینه یک 14- گزینه
سه 15- گزینه یک 16- گزینه گزینه سه (قلب نه مغز) 17- گزینه دو 18- گزینه چهار 19-
گزینه دو 20- گزینه یک

درس 10

فلسفه در جهان اسلام (2)

شیخ الرئیس فلسفه

حسین بن عبد الله بن سینا در مشرق زمین به ← (ابن سینا، ابو علی سینا، شیخ الرئیس، و حجة الحق) و در اروپا به ← (اویسنا ، اویسن، شاهزاده اطبا) شهرت دارد.

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی:

روش ابن سینا «عقلی و استدلالی» است. پایه گذار این روش «ارسطو» است که ان سینا آن را به «اوج» رساند.

ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد

تذکره دوباره:

دانش آموزان عزیز مؤسس فلسفه مشأ «ارسطو» است و روش ارسطو تعقلی و استدلالی بوده ، به دلیل گرایش فارابی و ابن سینا به روش ارسطویی ، اولین مکتب فلسفه اسلامی «مشأ» نام گذاری شد.

تالیفات ابن سینا

1- شفا: نوعی دایرة المعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق ، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است.